



روش‌های «تربیت عبادی» کودک از منظر آموزه‌های فقهی

حوریه محسنی*

چکیده

«تربیت»، مفهوم بی‌پایان و بی‌کرانه‌ای است که تمامی شئون و ساحت‌های حیات انسانی را در بر می‌گیرد؛ تربیت نه در حصار زمان محدود می‌شود و نه در قلمرو مکان می‌گنجد. فراتر از محیط، وسیع‌تر از عالم و ژرف‌تر از رفتار بیرونی و نهان و سرشت آدمی است. یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیتی، تربیتی عبادی است. تربیت عبادی کودکان اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. تحقیقات نشان می‌دهد بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات سستی از خود نشان می‌دهند، بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند، بلکه عواملی چون بیتوجهی و یا عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی، عدم ورزیدگی کودکان در انجام عبادات در کودکی و ناآگاهی آنان از فلسفه و اهمیت عبادات، در این زمینه نقش دارند. پیش از سن تکلیف، کودکان با اعمال و تکالیف عبادی، فلسفه و فواید اعمال والدین و مربیان به عنوان مسئولان اصلی تربیت، باید زمینه فراگیری و انجام برخی از مسائل دینی را برای کودکان فراهم نمایند. این پژوهش از منظر توصیفی، تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای، با هدف تبیین بررسی ضرورت تربیت عبادی کودکان و مسئولیت والدین در این زمینه و روش‌های تربیتی عبادی از منظر آموزه‌های فقهی با تأکید به آیات و روایات پرداخته است.

کلید واژه‌ها: تربیت، عبادت، وظیفه، والدین، روش.



تربیت ابعاد مختلفی چون جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی دارد. از مهم‌ترین ابعاد تربیت، تربیت عبادی و معنوی است که به عقیده ما در تربیت اسلامی، پرورش این بعد غایت همه ابعاد دیگر است.

این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی انسان و فراهم نمودن زمینه ارتباط انسان با خداوند و در نهایت پرورش انسان برای رسیدن به قرب الهی است بسیار مورد تأکید ائمه علیهم‌السلام بوده است و آن بزرگواران در تمام صحنه‌های زندگی بیشترین اهمیت را به پرورش این بعد فرزندان می‌دادند و برای تحقق آن از شیوه‌های خاص بهره می‌گرفتند که به نظر می‌رسد از مهم‌ترین شیوه‌ها، دو شیوه «ذکر» و «دعا» است و هر چند دعا نیز یک نوع ذکر تلقی می‌شود، اما از آنجا که در «تربیت معنوی» عنصری کلیدی و مهم است از آن به عنوان یک شیوه جداگانه یاد می‌کنیم.

امام باقر علیه‌السلام در سیره تربیتی خود از این دو شیوه به شکل خاصی بهره جستند و بر اساس آیات و روایات، فلسفه وجودی انسان رسیدن به سعادت و قرب الهی است. بدین منظور، دین اسلام برنامه‌های جامع و کاملی در قالب تربیت دینی در بردارد. از جمله این برنامه‌ها، «عبادت و بندگی» است. عبادت یکی از نیازهای واقعی و اساسی است که ریشه در اعماق جان و فطرت بشر دارد و اسلام آن را به منزله یک برنامه جامع تربیتی برای پرورش و تکامل روح و روان انسان برنامه‌ریزی کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی «تربیت»

«تربیت» در لغت از ماده «ربو» و در باب تفعیل به معنایی زیاد و فزونی می‌باشد. (راغب

اصفهانی، ۱: ۱۴۱۲/۱۱۸)

تربیت در زبان فارسی به معانی «پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا هنگامی بالغ شدن» نیز به کار رفته است. و در زبان عربی، واژه «التربیه» مصدر باب تفعیل است. این واژه از رب و ربو سرچشمه گرفته باشد. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۸/ ۱۸۸) و در تعریف دیگری داریم که در لغت کلمه تربیت عبارت است از: پرورش دادن، نیروی بالقوه را به فعلیت رساندن (حسینی دشتی، ۲۰: ۱۳۸۵/ ۴۰۰) و همچنین آمده است که تربیت به معنای انجام اقداماتی است که نتیجه آن منتهی به رشد کمی و کیفی چیزی شود. در اصطلاح نیز تعریفی گوناگونی ارائه شده است.

تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجود، و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا ساختن جسمانی به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند. (وزیری، ۱۹۲: ۱۳۸۷)

تربیت عبارت است از فعالیت منظم و مستمر جهت به رشد جسمانی، شناختی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفه‌ای افراد به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت مربی به ویژه در رفتار او ظاهر خواهد شد. (حاجی ده‌آبادی، ۱۲: ۱۳۷۷)

«ژان شاتو» می‌نویسد:

تعلیم و تربیت، فتح مداوم است بدون سنین گذشته مورد انکار واقع شود. تعلیم و تربیت، فتح وجود خویشتن به کمک ادب و نزاکت به معنایی وسیع آن با دانستن آداب معاشرت فرق دارد. آدم تربیت شده کسی است که بلد باشد با عقل، نیروهای شدید و شبه حیوانی طبیعتش را با هدایت آنها به نقطه کمالشان مورد استفاده قرار دهد. . . بنابراین تربیت کردن یاری کردن کودک است تا به شخصیت آزاد و منضبطی که همان موجود اخلاقی است برسد، یا بهتر بگوییم آن را در خود بسازد. (محمّدیان و رحیمی، ۱۲۹: ۱۳۹۰)





۱.۲. تربیت عبادی

عبادت از «عبد» مشتق شده و در لغت به معنای اطاعت خاضعانه است. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۲/ ۴۱۰، ذیل ماده عبد)

این واژه در «لسان العرب» به معنایی «الطاعة و الخضوع» ذکر شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/ ۲۴۰) در مجم الوسیله عبادت به معنای «الخضوع للإله علی وجه التعظیم و الشعائر الدینیة» آمده است. (محمد علی نجار، ۱۳۸۳: ۵۷۹)

همچنین در مجمع البحرین چنین معنا شده است: «غایة الخضوع و التذلل و لذلك لا تحسن إلا لله تعالی، الذی هو مولی اعظم النعم، فهو حقیق بغایة الشکر» (فخرالدین، ۱۳۷۵: ۳/ ۹۷)

اما در اصطلاح فقها عبارت است از: «وقوع الفعل بقصد امثال للسید المنعم». (نجفی، ۱۴۰۴) و در این جا دو معنا برای عبادت قابل تصور است؛

۱. اعمال مخصوص مثل نماز و روزه؛

۲. هر کاری که به قصد و انگیزه اطاعت خداوند و برای کسب رضایت الهی انجام گیرد. مراد از ما از تربیتی عبادی، همان معنایی اول عبادت است؛ بنابراین تربیت عبادی عبارت است از «آموزش و امر به عبادت و وظایف و تکالیف عبادی متناسب با دوران رشد و تلاش در متعهد نمودن مرتبی در انجام تکالیف عبادی از دوران کودکی». (اعرافی، ۱۳۹۶: ۳۰-۲۴)

۱.۳. فقه

واژه فقه در لغت معناهای گوناگون دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. «مطلق علم و آگاهی». (فراهیدی، ۱۴۱۶: ۳/ ۷۳)

۲. مطلق فهم (جوهری، ۱۴۰۴: ۳/ ۲۲۴۳) و ادراک: البته «فهم مقتضای کلام که در اثر تأمل در آن به دست می‌آید». (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱۲)

بنابراین باید توجه داشت که فهم با مطلق ادراک برابر نیست، بلکه به ادراک خفی و دقیق اشاره دارد (عسکری و جزایری، ۱۴۱۲: ۱۴۱) و با نوع استنتاج و تعقل همراه است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۴۹) همان طور که تفهیم در مثل «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ...» (انبیاء: ۷۹) حجم معنایی بیشتری نسبت به مطلق تعلیم دارد و وقتی می‌گوییم به او تفهیم کردم منظور این نیست که او را به عمق و باطن مطلب رساندم. در این صورت معنای دوم چیزی جز معنایی سوم نیست. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۳۱/۱)

فهم همراه با دقت و تأمل (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱/ ۱۲۳) بعضی از لغوی‌های معاصر تصریح می‌کنند که ریشه اصلی در این ماده فهم با دقت و تأمل است. (همان: ۱۲۹/۹) به نظر می‌رسد که همین معنا، هسته معنایی را تشکیل می‌دهد هر چند در برخی از موارد به معنایی فطانت و تیز فهمی نیز به کار می‌رود و می‌تواند به معنایی تیز چنگی در دریافت معنایی اصلی و دقیق باشد. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۹/۱)

واژه فقه در معنایی اصطلاحی، از معنایی لغوی‌اش دور نیست و مفهوم درک عمیق و ژرف‌اندیشی با آن همراه است. این واژه و مشتقات آن مانند فقیه، تفقه فقاها و مانند این‌ها از همان ابتدا در ادبیات دینی و آیات و روایات درباره فهم و ادراک دین به کار می‌رفته است. مؤلف «لسان العرب» نیز چنین می‌نگارد:

فقه به معنایی علم و آگاهی است و استعمال آن در آگاهی از علم دین به دلیل شرافت و سیادت این علم بر سایر علوم غلبه پیدا کرد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۵۵۲)

کاربرد واژه فقه و مشتقات آن در این قلمرو معنایی، یکسان نیست و دگرگونی‌هایی داشته است. به طور کلی، می‌توان دو معنایی اصطلاحی از فقه برشمرد:



۱. فقه به معنایی شناخت همه معارف دین، اعم از عقاید، احکام و اخلاق؛

۲. فقط شناخت بخشی از دین (احکام).

این تحول معنایی از دگرگونی‌های اجتماعی و علمی تاریخ اندیشه مسلمانان سرچشمه گرفته است. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۱/۳۳)

کاربرد واژه فقه در معنایی «شناخت عمیق دین» در فضای فرهنگی و علمی متدینان و جامعه اسلامی رواج داشت. حتی از برخی نقل‌ها استفاده می‌شود که این وضعیت تا عصر امام صادق علیه السلام شافعی و ابوحنیفه ادامه داشت، زیرا تا آن زمان علوم شرعی، یعنی کلام، اخلاق و احکام از همه جدا نبود و عالم و فقیه دینی به کسی گفته می‌شد که همزمان از اعتقادات، اخلاقیات و فروع فقهی آگاهی داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۶)

در این چنین زمان است که علوم اسلامی به دلیل گسترش و تکامل که یافته بود از هم جدا می‌شود امام صادق علیه السلام در هر علوم دینی شاگردانی خاص تربیت می‌کند و در قلمرو علم احکام، کسانی مانند زراره و محمدبن مسلم را پرورش می‌دهد. واژه فقه در لسان روایات و نیز منشهران به دلیل کار برد زیاد در قلمرو احکام فرعی به تدریج حقیقت دیگری می‌یابد. (همان: ۳۷)

۲. ضرورت تربیتی عبادی

انسان در تفکر اسلامی، جانشین خداوند در روی زمین است. برای کسب این مقام از یک‌سو از دوران کودکی و حتی پیش از آن، اقدام‌های لازم و مناسب را به عمل آورد تا کودک از دوران کودکی ضمن یادگیری، آمادگی پذیرش و انجام تکالیف الهی را پیدا کند. از سوی دیگر، یکی از فلسفه‌های آموزش تکالیف عبادی به کودکان از دوران کودکی، این است که بر اثر تمرین و تکرار، تکالیف عبادی برای ملکه شود تا هنگام رسیدن به سن تکلیف، انجام اعمال عبادی برای آنان دشوار نباشد. در واقع اگر کودک را از خردسالی با عبادات و اعمال و تکالیف عبادی انس بگیرد کم‌کم این حالت معنوی در او به صورت بعدی به ویژه از دوره

جوانی به فردی مؤمن و متعهد به عبادات و تکالیف عبادی بار آید؛ از رو باید دورانی خورد سالی، زمینه‌آشنایی و انجام برخی مسائل دینی و عبادی را برای کودکان فراهم نمود. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۹-۲۴)

خانواده‌هایی که از فرصت دوران کودکی برای تربیت عبادی فرزندان خویش استفاده نمی‌کنند، به طور معمول در دوره بلوغ و سن تکلیف با مشکل رکود معنوی فرزندان خود روبه‌رو می‌شوند، زیرا در صورت نداشتن تمرین و آمادگی لازم در خورد سالی، چه بسا کودک نتواند در دوره تکلیف و بلوغ با رغبت قلبی به احکام دینی و تکالیف عبادی را تا سن تکلیف به تاخیر انداخت. این مطلب از روایت به خوبی قابل برداشت است. منابع روایی مملو از روایاتی است که زمان فراگیری امر به خواندن نماز را از خورد سالی مورد تأکید قرار داده است. آموزش تعالیم دینی کودکان به اندازه مورد توجه پیشوای گرامی اسلام بوده که این مسئولیت را به طور مستقیم، متوجه والدین می‌داند و به صراحت از پدران و مادرانی که به ترتیب دینی کودکان خویش بی‌توجه‌اند، اعلام براءت و دوری جسته است، طبق فرمایشات پیامبر اسلام ﷺ یکی از وظایف و مسئولیت پدران و مادران توجه به مسائل شرعی و فرایض دینی و عبادی فرزندان است:

أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ: وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ! فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟! فَقَالَ لَا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ. لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ.

چنین نقل شده که پیامبر اکرم ﷺ روزی به بعضی کودکان نظر افکند و فرمود: وای بر فرزندان آخرالزمان از [بی‌توجهی] و روش ناپسند پدرانشان! عرض شد یا رسول الله از پدران مشرک آنها؟ فرمودند نه بلکه از پدران مسلمان آنان که هیچ یک از واجبات و احکام دینی را به فرزندان خود نمی‌آموزند و هرگاه فرزندان شان در صدد تعالیم دینی باشد آنان را از این امر



باز می‌دارند و ناچیزی از امور مادی درباره‌ی آنان قانع هستند [و تنها به این دلخوش‌اند که فرزندان‌شان بهره‌ای ناچیزی از دنیا به دست آوردند] و من از این قبیل مردم بیزارم. (اشعری، بی تا: ۱۰۶)

نکته مهم این است که آموزش و معارف دینی به کودکان و نوجوانان زمانی باشد که فرقه‌ها و مکتب‌های انحرافی، فکر و ذهن آنان را با افکار و عقاید نادرست و التفاتی مشغول نمایند که در این زمینه امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل فرمودند: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُم اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمَرْجئةُ بِرَأْيِهَا».

به فرزندان خود از علم ما (حدیث اسلامی) آنچه خدا به وسیله آن به آنها نفع می‌رساند آموزش دهید، پیش از آنکه مرجئه (و دیگر فرقه‌های منحرفی عقیدتی) بر شما سبقت گیرد و آنان را با سخنان نادرست خویش متحرف سازند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵ / ۱۵)

۳. روش‌های تربیت عبادی از منظر آموزه‌های فقهی

روش‌های تربیتی یکی از عناصر مهم هر نظام تربیتی به شمار می‌رود. نظام تربیتی اسلام، از یک سوی، به روش امضایی و تأسیسی تقسیم می‌شود؛ یعنی برخی روش‌ها را اسلام تأسیس کرده و شماری دیگر از روش‌های موجود نزد عرف، عقلا، مریبان و خانواده‌ها را شارع مقدس امضا، تأیید و یا اصلاح کرده است. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۰۴)

برای کاربردی شدن تربیت عبادی ده روش مورد بررسی قرار گرفته که از نظر فقهی رجحان یا استحباب این روش‌ها ثابت شده است، که در ادامه به بیان ده روش تربیت عبادی می‌پردازیم.

۳.۱. روش تمهیدی

از جمله روش‌هایی است که در فرایند آموزشی بر دیگر روش‌ها تقدم رتبی دارد. این روش زمینه‌سازی برای فراگیری و انجام اعمال عبادی از جمله راه کارهای تربیت عبادی است.

تمهیدیه به معنای فراهم کردن مقدمات و زمینه‌سازی برای یادگیری و ایجاد آمادگی و توجه دادن کودک به یک عمل مهم است.

برای نمونه در این روش عمل عبادی مانند نماز باید در مرآی و منظر کودک انجام گیرد تا با مشاهده وی، یک نوع آمادگی روحی نسبت به آن در او ایجاد گردد و یا یک عمل عبادی مانند ذکر و دعا در جمع خانوادگی انجام شود.

فایده این اقدام علاوه بر تأثیر تربیتی، در فرایند آموزش با امر به آن عمل، خواهد بود. همچنین مقید بودن والدین در انجام عبادات و سهل انگاری نکردن والدین در انجام عبادات، می‌توان گفت گاهی کاهلی بچه‌ها ناشی از سستی و تقیید نداشتن والدین به انجام به موقع تکالیف عبادی و وظایف شرعی است، این مسئله واقعیتی بسیار مبرهن و روشن است، علاوه بر تقیید والدین به اعمال عبادی، انجام عمل عبادی در مکانی که کودک حضور دارد و یا با مشاهده عینی نظاره‌گر آن است تأثیر بسیاری در کودکان دارد. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۰۵-)

(۲۰۶)

۲.۳. روش تبیینی (تبیین فلسفه و آثار اعمال عبادی)

در منابع دینی، پیامدها یا آثار اعمال عبادی به دو بخش دنیوی و اخروی تقسیم می‌شود. درباره آثار اخروی نیز گاهی بیان آثار و گاهی بیان حقایق ملکوتی و تجسم آن اعمال در روز قیامت است. در این زمینه هم پیامد مثبت و پیامد منفی اعمال روایات بسیاری وارد شده است. بیان فلسفه و تأکید بر نتایج و پیامدهای عبادات و تشریح و تفصیل آن، یکی از روش‌های تربیتی عبادی است. این روش چه در مخاطبان عام و چه برای تربیت فرزندان قابل استفاده می‌باشد، چون بیان پیامدها و آثار مثبت و منفی یک عمل، خود به خود در ایجاد گرایش و یا تنفر در مرتبی درباره آن عمل تأثیر بسزایی دارد. در نتیجه برای ایجاد آمادگی، گرایش و انجام عبادات، لازم است مرتبی از آن عمل عبادی، اطلاعات کافی داشته باشند، از





این رو می‌توان با زبان ساده به بیان اهمیت، فضیلت و ارزش عمل عبادی و جایگاه عابدان نزد خداوند و فواید و ثواب آن پرداخت.

این روش در منابع دینی و روایی فراوان دیده می‌شود و ائمه علیهم‌السلام در موارد مناسبت‌های مختلف از این روش استفاده می‌کردند، ولی با عنوان الگو و روش تربیتی در تربیت عبادی قابل بهره‌گیری است. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۲۰-۲۲۱)

۳.۲.۱. فلسفه برخی از عبادات در قرآن

در قرآن کریم در باب فلسفه اقامه نماز، وجوب زکات، حج و روزه آیات فراوانی وارد شده است. قرآن در مورد نماز و فلسفه آن چنین می‌فرماید: «...أَنَا فَأَعْبُدُنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ مرا بپرست و نماز را برای من یاد من به پای دار. (طه: ۱۴)

در سوره عنکبوت می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛ و نماز را به پای دار که نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد. (عنکبوت: ۴۵)

درباره فلسفه روزه در سوره بقره چنین آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید چنان که امم گذشته را فرض شده بود، و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید. (بقره: ۱۸۳)

قرآن کریم درباره حج می‌فرماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»؛ و مردم را دعوت به حج کن... تا شاهد منافع گوناگون خویش در این بر نامه حیاتبخش باشند. (حج: ۲۸-۲۷)

می‌توان روش‌های تربیت اسلامی را به دو دسته تقسیم کرد؛ روش‌های عام و روش‌های خاص.



قرآن درباره وجوب زکات چنین می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»؛ از اموال آن‌ها صدقه‌ای به عنوان زکات بگیر تا به وسیله دادن صدقه، آن‌ها را پاک‌سازی و پرورش دهی. (توبه: ۱۰۳)

۳. ۲. ۲. فلسفه برخی از عبادات در روایات

علاوه بر قرآن کریم، پیشوایان دینی علیهم‌السلام نیز برای تبیین فلسفه و اهمیت عبادات، مطالبی را با عبارات‌های گوناگون بیان نموده‌اند. در روایات به آثار مثبت و منفی اعمال اشاره شده است؛ برای نمونه اعمالی که موجب طول عمر، برکت در رزق و روزی، بر طرف شدن هم و غم، موفقیت و کسب مقامات عالی و امثال این‌ها می‌شوند، از جمله مواردی است که می‌توان در آموزش از آن استفاده کرد.

حضرت باقر علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مردی گذر کرد که در باغش درخت می‌کاشت پس آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزدش ایستاد و فرمود: تو را راهنمایی نکنم بر کشت درختی که ریشه‌اش پا برجاتر و میوه‌هایش زودرس‌تر و بهتر و پاینده‌تر باشد؟ عرض کرد: چرا مرا راهنمایی فرما ای رسول خدا. فرمود: چون بامداد کنی و شام کنی بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»، زیرا اگر آن را بگویی به شماره هر تسبیح [هر یک مرتبه] ده درخت در بهشت داری [که هر درختی از آنها یک نوع] از انواع میوه‌ها [می‌دهد] و آنها از کارهای شایسته و پاینده است. آن مرد گفت: ای رسول خدا! شما را شاهد می‌گیرم که این مزرعه را وقف فقرا مستحق مسلمان کردم. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۵۰۶) پس خداوند آیاتی از قرآن نازل کرد: پس آن که در راه خدا انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد و جزای نیک الهی را تصدیق کند، ما او را در مسیر آسان قرار دهیم. (اعراف، ۱۳۹۶: ۲۲۴)

روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام داریم که در توصیه به فرزنداناش می‌فرمود: چون ماه رمضان فرا رسد، خود را تا آخرین حدّ توان به کوشش وادارید، زیرا که در آن ماه ارزاق تقسیم می‌شود و مدّت‌های عمر مقرر می‌گردد، و در آن ماه نام حجّ‌کنندگان که به میهمانی خدا



مشرف می‌شوند نوشته می‌شود، و در آن ماه شبی هست که انجام عملی در آن از عمل در هزار ماه بهتر است. (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۲/۴۲۳)

۳.۳. روش تشبیه و قرینه‌سازی

یکی از روش‌هایی که به طور عموم در تربیت و به طور خصوص در تربیت عبادی بسیار مؤثر است، روش تشبیه و یا روش قرینه‌سازی است. در حقیقت در شیوه تشبیه علاوه بر فهماندن مطلب، یک نوع همانند سازی و جود دارد. همانند سازی یعنی خود را به جایی او قرار دادن؛ از این رو، این روش در ایجاد انگیزه یا تنفر درباره یک صفت و ویژگی، بسیار مؤثر است. به سخنی دیگر در تشبیه و همانندسازی، یک نوع کپی‌برداری از ارجاع به طبیعت یا حیوانات، به صورت یک سازوکار تأثیرگذار است که هم بعد شناختی و هم بعد تربیتی به معنایی خاص دارد.

بنابراین یکی از فواید مهم در استفاده از این شیوه آن است که نسبت به صفاتی منفی، غفلت‌زدایی و نسبت به صفات مثبت، انگیزه‌بخشی را به دنبال دارد. در واقع ارائه تفسیر معنوی از صفات طبیعی و حیوانی است. این روش بین مردم نیز بسیار رایج است. البته این روش گاهی قولی است؛ یعنی استفاده از عبارات تشبیهی و مثل که در بسیاری از آیات و روایات چنین است و گاهی عملی است. که به چند نمونه آن می‌پردازیم. (اعرافی، ۱۳۹۶:

۲۳۰-۲۲۹)

در قرآن کریم، اهمیت و ارزش کاربردی این روش را به صراحت بیان می‌کنند: «وَلَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ و ما در این قرآن برای (هدایت) مردم هر گونه مثل‌های روشن آوردیم، باشد که خلق متذکر (حقایق آن) شوند. (زمر: ۲۷)

قرآن برای پرهیز از صفت منفی به صورت الگویی منفی به برخی از حیوانات مثال می‌زند، برای نمونه گاهی انسان به چهارپایان تشبیه می‌کند؛ «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»؛

آنها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه‌ترند. (اعراف: ۱۷۹)

گاهی هم مثال‌های مثبت برای ترغیب رفتار خوب در بین انسان‌ها صفات پسندیده و یا ناپسند برخی حیوانات را بر جسته می‌کند: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ»؛ مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده و غیر خدا را به دوستی و سرپرستی برگرفتند (در سستی و بی‌بنیادی) حکایت خانه‌ای است که عنکبوت بنیاد کند. (عنکبوت: ۴۱)

با بررسی روایات تربیتی، بهره‌گیری از روش تشبیه و تمثیل در کلام معصومین علیهم‌السلام به وفور دیده می‌شود:

امام باقر علیه‌السلام فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و چنان که برای ولایت (رهبری اسلامی) و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: روزه، سپر آتش جهنم است. (کلینی، ۱۴۷۰: ۴/۶۷)

در روایت دیگر داریم سلمان فارس می‌گوید یک روز در خدمت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زیر سایه درخت نشسته بودم که حضرت شاخه‌ای را به دست گرفت و تکان داد تا برگ‌هایش ریخت. سپس رو کرد به من و فرمود: نمی‌پرسی چرا چنین کردم؟ عرض کردم یا رسول خدا ما را آگاه کن، حضرت فرمودند: هنگامی که بنده مسلمان، نمازهای پنج‌گانه را به جا می‌آورد، گناهان او می‌ریزد، همان‌گونه که برگ‌ها ریخت. (طوسی، ۱۳۸۸: ۱/۱۶۸)

۴.۳. روش الگویی (آموزش عملی)

انسان برای پیشرفت و تعالی در هر مرحله‌ای از رشد، به الگو نیاز دارد. در واقع نمونه، همانند تابلوی است که اقدامات آموزشی و تربیتی را بصورت غیر مستقیم و عملی، متوجه تربیتی می‌کند، تربیتی نیز تلاش می‌کند ساختار روحی و روانی خود را بر اساس الگو بازسازی کند. اگر نمونه محبوب تربیتی باشد. این روش یک وظیفه برای عالم، مربی و حاکم است.





در این روش عمل به علم، در یک سطوحی واجب است؛ برای مثال اگر مربی، اهل علم باشد، این وظیفه مربی است و تأثیر در ضمنی الگویی دارد و نتیجه اش الگوبرداری و همانند سازی متربی است، که از جمله ویژگی کودکان تقلید پذیری است. در واقع یکی از سازوکارهایی که تربیت و آموزش از طریق آن حاصل می شود، تقلید است. بچه ها اکثر از رفتار و کردار را از طریق تقلید از دیگران به ویژه والدین یاد می گیرند. به همین دلیل برای آموزش هر امر مطلوبی، وجود الگو در کنار کودک که در معرض دید باشد، بسیار ضروری است تا به تبعیت از نمونه، آن رفتار مورد نظر انجام دهد. در اسلام نیز یکی از مهم ترین روش تربیتی، روش الگودهی است؛ چنان که خداوند از این شیوه آموزشی برای هدایت و تربیت انسان ها در قرآن کریم استفاده کرده است. به فرموده قرآن در رأس الگوها، معصومان علیهم السلام قرار دارد. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴۳-۲۴۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِالْأَسْتِكْمِ»؛ مردمان را با اعمال خود (به خوبی ها) دعوت کنید نه با زبان های خود. (مجلسی، ۱۳۸۸: ۱۹۸)

۳.۵. روش تمرین و تکرار

از جمله روش های تربیت و آموزش روش تمرین و تکرار است، در این روش متربی، عملی را به صورت گفتاری تکرار می کند و یا به صورت عملی انجام می دهد، تا متربی آن را خوب یاد بگیرد و در نتیجه با تمرین و تکرار، بدان عادت کند، در واقع می توان این روش را روش فعال نامید، زیرا مربی و متربی در فرایند یاددهی و یادگیری حضوری فعال دارند. مراد از تکرار، تکرار بدون فهم نیست، بلکه ملکه شدن آن عمل برای متربی است. نکته قابل توجه این است که هر چند این روش تکرار و تمرین یک روش عام تربیتی است، اما در بحث تربیت عبادی برای یادگیری اذکار، افعال و تکالیف اعمال عبادی، به طور خاص کار برد عملی دارد.

در این زمینه از ابن عباس روایت داریم که پیغمبر ﷺ چون حدیث می‌گفت یا از چیزی سؤال می‌کرد آن را سه بار تکرار می‌کرد تا حدیث و سؤال او به خوبی مفهوم شود. (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۰/۱)

۳.۶. تخطئه و ارشاد

برای ایجاد انگیزه یادگیری در مخاطب، از جمله راهکارهای آموزش و پرورشی، این است که ابتدا شخص را به نیاز یا اشتباهش آگاه سازیم تا شخصی تا طلب آن شود و بعد شیوه صحیح عمل را به او متذکر شویم این روش همان ارشاد جاهل است، از این رو با توجه به روایات، اگر کسی حکم مسئله و یا صورت صحیح عملی را نمی‌داند، معصومان علیهم‌السلام به طور معمول برای ارشاد چنین شخصی، از روش تخطئه استفاده می‌کردند. با توجه به قاعده امر به معروف و نهی از منکر، این روش به سه جهت قابل بیان است:

۱. اگر متربی مسئله را می‌داند، ولی عمداً خطا می‌کند مصداقش نهی از منکر است
۲. اگر متربی مسئله را می‌داند، ولی از روی غفلت انجام می‌دهد مصداق آن تذکر است.
۳. اگر متربی مسئله را نمی‌داند و غافل نیز بوده در این صورت مصداق ارشاد جاهل است. از این روش ائمه علیهم‌السلام اطهار نیز استفاده می‌کردند. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴۰)

۳.۷. روش رفق و مدار

این موضوع به صورت مبسوط در محالی دیگر مورد بحث و بررسی فقهی قرار گرفته است. (تقی‌مهری، ۱۳۹۳) رفق و مدارا هم «اصل» و هم «روش» است. اصل است به لحاظ اینکه یاد می‌دهد با رفق و مدارا، یعنی با نرمی، آرامش و سازگاری با دیگران رفتار شود. این شیوه و کیفیت اجرای روش هاست، اما گاهی به نرم خوئی به صورت یک اقدام توصیه شده،



در این صورت «روش» می‌شود. آنچه مراد ما است رویکرد ما در این بحث به عنوان روش بررسی شده است.

«رفق» در لغت ضد «عنف» دانسته شده و به معنای نرمی و لطافت در انجام کارها آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۹/۵)

«مداراة» از ریشه «درء» به معنای دفع، اخذ شده (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۱/۱) و به معنای سازگاری و خوش رفتاری با مردم می‌باشد. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۳۷/۵)

رفق و مدارا و یا سهل گیری و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط در بحث تربیت عبادی، هم در آموزش و هم در انجام تکالیف عبادی از جمله روش‌های مهم تربیتی است.

لازم است ذکر شود که مدارا، همان سهل گیری و تحمیل نکردن تکلیف ما لایطاق به متربی است. در منابع دینی ما، روایات فراوانی در زمینه سهل گیری در عبادات، وارد شده است. همچنین روایاتی وجود دارد، مبنی بر اینکه در انجام عبادات طوری رفتار نکنید که از آن متنفر یا دل‌زده شوید و یا به اندازه توان خویش به عبادت بپردازید تا شادابی شما در انجام آن حفظ شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لِلْقُلُوبِ إِقْبَالًا وَ إِدْبَارًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ».

دل‌ها را رو کردن و رو برگرداندنی (آمادگی و ماندگی) است، پس چون رو کردند آن‌ها را [علاوه بر واجبات] به انجام مستحبات وادارید، و هر گاه رو برگرداندند به انجام واجبات اکتفاء نمایید [زیرا ترک واجبات به هر حال جائز نیست اگر چه شخص را حضور قلب هم نباشد]. (اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱۲۳۵/۶)

۳.۸. روش امر و توصیه به عبادت

در ادله و منابع دینی تأکید شده که دیگران به طور خاص، فرزند خویش را به عبادت چه در واجبات و چه نسبت به مستحبات، امر، توصیه و یا ترغیب کنید. در این باره برخی ادله مطلق عبادت و برخی به عبادت خاص و تعدادی نیز به ویژگی‌های عبادت امر و توصیه می‌کند.

آیاتی در قرآن وجود دارد که به طور خاص بر استفاده از روش امر برای تحقق فریضه نماز دلالت دارند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»؛ تو اهل بیت خود را به نماز و طاعت خدا امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش، ما از تو روزی (کسی را) نمی‌طلبیم بلکه ما به تو (دیگران) روزی می‌دهیم، و عاقبت نیکو مخصوص (اهل) پرهیزکاری و تقواست. (طه: ۱۳۲)

همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَالِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ ای فرزند عزیزم، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و (بر این کار از مردم نادان) هر آزار بینی صبر پیش‌گیر، که این نشانه‌ای از عزم ثابت (مردم بلند همت) در امور عالم است. (لقمان: ۱۷)

در منابع دینی در باب امر و توصیه آمده است که لقمان دریکی از اندرزه‌های خود به پسرش چنین می‌گوید:

ای پسر! نماز را به پای دار، چرا که مثل نماز نسبت به دین خدا، مانند ستون خیمه است. اگر ستون خیمه استوار و پا بر جا باشد، طناب‌ها، میخ‌ها و سایه‌اش، استوار می‌ماند، ولی اگر ستون، شکسته شد یا افتاد، میخ‌ها و طناب‌ها و سایه خیمه فایده‌ای نخواهد داشت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷/۷۵)





۳.۹. روش الزام و اجبار

از جمله روش هایی که در تربیت فرزند در مواردی، بسیار کاربرد دارد، روش الزام و اجبار است. همچنین والدین وظیفه دارند در همه امور مربوط به فرزندان از جمله امور عبادی معنوی با یکدیگر مشورت کنند. در مواردی که مصلحت فرزندان، تنها از طریق الزام و اجبار آنان به انجام کاری یا ترک عملی حاصل می شود، والدین مکلف اند از این روش استفاده کنند؛ حتی موارد وجود دارد که اگر والدین فرزندان را به انجام کاری وادار نکنند، آنان به ضرر (دنیوی و اخروی) مبتلا می شوند. در چنین مواردی بر والدین لازم است، روش اجبار استفاده کنند تا ضرری از جهت کوتاهی آنان در تربیت متوجه فرزندان نشود. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۳۶۰)

۳.۱۰. روش تنبیه (مؤاخذه و بازخواست)

«تنبه» از باب تفعیل و از ماده «نبه» است و در فرهنگ فارسی، معانی مختلفی برای تنبیه بیان شده است؛ از جمله: آگاه و بیدار کردن، واقف گراندن به چیزی، مجازات کردن، گوشمالی دادن و چوب زدن معنا کردن. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱/۱۴۴۸)

در اصطلاح تنبیه به عملی گفته می شود که لازمه آن زودودن و کنترل موانع تربیت است، که از تذکر لسانی تا تنبیه بدنی را شامل می شود. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۳۶۱)

همچنین در روایات داریم که چنین می فرمایند: فرزند را قبل از ده سالگی نباید برای نماز زد. پیامبر فرمود: «أدب صغار أهل بیتک بلسانک علی الصلاة و الطهور، فاذا بلغوا عشر سنین، فاضرب و لا تجاوز ثلاثاً»؛ فرزندان خردسال را با زبان بر نماز و وضو انس و عادت دهید و آن گاه که به ده سالگی رسیدند آن ها را به خاطر سستی و سهل انگاری در نماز بزن، ولی از سه ضربه فراتر نرو. (مجموعه ورام، ۱۳۸۵: ۳۵۸)

رسول خدا ﷺ در بخشی از توصیه‌های خود به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «برای تأدیب و تربیت بیش از سه ضربه (به کودک) نزن». (مجموعه ورام، ۱۳۸۵: ۳۵۸)

همچنان شیوه‌های تنبیه متفاوت است؛ تنبیه ممکن است به صور گوناگون انجام گیرد و منحصر به کتک زدن نیست، زیرا ترش رویی و اخم نیز نوعی تنبیه است، همچنان که محروم کردن کودکان از بعض امور خوشایند و پر جاذبه نیز تنبیه دیگری است، اما در تنبیه جسمانی نیز مراد توسل به شیوه‌های خشن و وحشیانه و ضربه زدن با ترکه‌انار و شلاق و... نیست. مثلاً در مورد وسیله تنبیه زن به وسیله شوهر که قرآن در آیه «و اضربوهن...» به آن اشاره کرده، مرحوم طبرسی در مجمع البیان از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که مقصود زدن با مسواک است. (تفسیر صافی ۱۳۹۹: ۱/ ۳۵۴)

۴. وظیفه‌مندی والدین در تربیت عبادی فرزندان از منظر فقه

برای عدم ابتلای فرزندان به عقاب و عذاب الهی، بر والدین واجب است تا با تمهیدات تربیتی به اقدامات صیانتی و حفاظتی دست بزنند تا زمینه حفاظت و دوری فرزندان از ترک واجبات و انجام محرمات فراهم شود.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید. (تحریم: ۶)

مادر باید احکام الزامی را به آنها یاد بدهد، یعنی احکام که کودکان آن را نیاز دارد و یا احتمال عقلایی می‌دهند، که در آینده به آنها نیاز داشته باشند. این کار برای آن است که وقتی کودکان در زمان بلوغ، مکلف می‌شوند و ثواب عقاب برای آنها نوشته می‌شوند، از این احکام ناآگاه نباشند یا طوری نباشند که آن را ترک کنند. یکی از مصادیق الزامی مورد نیاز عبادات واجب مانند نماز، روزه، است، از این رو بر والدین واجب است که درباره تربیت عبادی فرزندان خود اقداماتی لازم را انجام دهید. وجوب تربیت عبادی برای والدین واجب کفایی



است که هر کدام آنها آن را انجام دهد از گردن دیگری ساقط می‌شود. بدیهی است که برای تحقق این واجب، والدین باید به صورت مباشری یا از طریق تفویض و استخدام مربی برای تربیت عبادی فرزندان خود اقدام نمایند. همچنین انجام این وظیفه بدون قصد قربت موجب سقوط تکلیف از عهده والدین می‌گردد، زیرا واجب توصلی است، اما در عین حال بهتر است خود والدین و با قصد قربت خدایی، تربیت عبادی را انجام دهند. گفتنی است این وظیفه قطعاً دوران کودکی و پیش از بلوغ و دوره تمییز را شامل می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۶: ۲۴۸-۲۴۹)

نتیجه:

یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی در دوره کودکی، تربیت عبادی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی علیهم‌السلام می‌باشد. به طور کلی، تربیت عبادی بعدی از تربیت دینی است که متربی را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا، و آنان را با انگیزه‌راسخ، مکلف به انجام آن می‌کند. بحث تربیت عبادی یکی از مهم‌ترین مسائل در محافل علمی و آموزشی در جامعه دینی است، که توجه بسیاری از پدران و مادران دین‌مدار و مربیان متعهد و دل‌سوز را به خود جلب کرده است. از سوی دیگر، تربیت عبادی دنباله و مکمل تربیت اعتقادی است و تربیت اعتقادی بدون آن بار ارزشی ندارد؛ زیرا لازمه شناخت یک دین، عمل به آموزه‌های آن است، و همچنان هر چیزی از خود روش و راهکار خاص خود را دارد. که ما بعضی از روش‌های تربیت عبادی اشاره کردیم که شامل تمهیدیه، تشویق و ترغیب، تنبیه و الگوسازی را شامل می‌شود. پدر و مادر وظیفه دارند که برای تربیت عبادی فرزندان خود از هیچ اقداماتی دریغ نکنند و آنها را در خردسالی با مسائل دینی و احکام آن آشنا کنند تا در بزرگسالی دچار سستی و بی‌حوصلگی آنها نشود. همچنین روایات زیادی داریم که روی این بُعد تربیتی تأکیدی زیاد شده است، لذا باید انس و گرایش قلبی در کودکان به انجام تکالیف عبادی از طریق

توجه دادن آنان به نعمت‌ها و نیکی و بخشش خداوند به بندگان، و همچنین آموزش شیوه شکرگزاری مورد نظر خداوند سبحان را به آنها یاد داد.

منابع و مآخذ:

۱. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳)، فقه تربیتی، چ ۲، قم: انتشارات موسسه اشراق و عرفان.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، چ ۳، بیروت دار صادر.
۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۶)، فقه تربیتی (تربیت عبادی)، قم: موسسه اشراق و عرفان.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۴)، الصحاح تاج اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت علیهم‌السلام.
۶. حسینی دشتی، سیدمصطفی (۱۳۷۸)، معارف و معاریف، تهران: آرایه، ۱۳، ۸۵.
۷. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۷۷)، در آمد بر نظام تربیتی در اسلام و موارد تطبیقی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۸. حسینی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴)، تاج العروس، بیروت: لبنان.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، المفردات فی القرآن، چ ۱، بیروت: دارالعلم الدرالشامیه.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، من لایحضرالفقه، تهران: صدوق.
۱۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چ ۲، تهران: مرتضوی.





۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸)، الأمالی، قم: اندیشه هادی.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
۱۵. عکسری، ابو هلال و سید نور الدین جزایری (۱۴۱۲)، معجم الفروق الغویه تنظیم بیت الله البیات، جامع المدرسین فی الحوزه علمیه قم.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن حسن (۱۴۱۶)، کتاب العین، چ ۲، قم: هجرت.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتاب السلامیه.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، چ ۲، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، دایرة المعارف، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی الکلمات القرآن کریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۱. محمدیان، بهرام (۱۳۹۰)، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، چ ۴، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۲۲. مسعود بن عیسی ورام (۱۳۸۵)، مجموعه ورام، چ ۳، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۳. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۹۹)، تفسیر صافی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. محمدعلی نجار، عبدالقادر (۱۳۸۳)، مجمع اللغة العربیه، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی الشرائع الاسلام، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. وزیری، مجید (۱۳۷۸)، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی، چ ۲، تهران: چاپ و نشر بین الملل.